

صورت‌بندی فرایند کنش اجتماعی

مبتنی بر نظریه تسلط عامل از منظر سید محمدباقر صدر

سیده حورا موسوی *

رضا اکبری **

مجتبی مصباح ***

مجید احسن ****

چکیده

این مقاله درصدد است با اتکا به آرای سید محمدباقر صدر و کاربست روش تحلیلی - توصیفی فرایند کنش اجتماعی را صورت‌بندی نماید. بدین منظور، با نگاهی به دیدگاه‌های شهید صدر، مفاهیمی همچون «فاعلیت بالسلطنه»، «تسلط عامل»، «زمینه جامعه به‌مثابه علت مادی»، «منطق ترجیحی» ... تبیین شده‌اند. از آنجایی که رساله در مقام صورت‌بندی نظریه‌ای است که مؤلفه‌های آن به‌صورت پراکنده در آثار شهید صدر وجود دارد، ابتدا در مقام اکتشاف این مؤلفه‌ها برمی‌آید، پس از احصای مؤلفه‌های نظریه، فرایند کنش اجتماعی صورت‌بندی، و الگوریتم نظریه ارائه می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که شهید صدر با ارائه نظریه سلطنت، و خارج‌دانستن کنشگر از چارچوب ضرورت علی - معلولی، عوامل مؤثر بر کنش را غیرتعیین‌گرا می‌داند. با توجه به دیدگاه ایشان می‌توان کنش اجتماعی را با الگوریتمی پنج‌بخشی که مؤلفه‌های آن نه به‌صورت زنجیره‌ای خطی و ضروری،

* دانشجوی دکتری رشته فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه امام صادق، تهران، ایران (sh.mousavi@isu.ac.ir).

** استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه امام صادق، تهران، ایران. (نویسنده مسئول: r.akbari@isu.ac.ir).

*** دانشیار گروه فلسفه، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران (m-mesbah@iki.ac.ir).

**** استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه امام صادق، تهران، ایران (m.ahsan@isu.ac.ir).

بلکه در قالب شبکه غیرخطی و تعاملی قرار دارند، تبیین کرد. مؤلفه‌های این الگوریتم عبارت‌اند از: مجموعه دلایل عمل، ایجاد گرایش‌های احتمالی با وزن‌های نامساوی، اعمال ظرفیت کنشگر، تشکیل قصد و نهایتاً انجام عمل با تسلط کنشگر. در این زنجیره، کنشگر با بهره‌گیری از ظرفیت ساختاریافته زمینه جامعه (شامل عناصر ذهنی و بین‌الذهانی) و با اعمال کنترل و سلطنت خویش، به انتخاب آزادانه و احتمالی دست می‌زند.

کلیدواژه‌ها: کنش اجتماعی، نظریه سلطنت، تسلط عامل، ناتعین‌گرایی علی، ضرورت علی، شهید صدر.

مقدمه

سید محمدباقر صدر در تبیین کنشگری انسان، مبانی متافیزیکی، معرفت‌شناختی و نیز نظریات مربوط به واقعیت اجتماعی را به خدمت گرفته و خود نیز دارای مبانی بدیعی در این خصوص است. در این نوشتار درصدد هستیم مبانی دیدگاه ایشان از جمله فاعلیت بالسلطنه، و زمینه جامعه به‌مثابه علت مادی کنش را تبیین کرده و فرایند کنش اجتماعی را بر اساس آن بازسازی کنیم. بازسازی نظریه بر اساس مبانی شهید صدر، نوآوری این نوشتار است که فرایند کنش اجتماعی را توضیح می‌دهد. پس از توضیح مبادی تصویری، در ضمن بیان فاعلیت بالسلطنه، نظریه تسلط عامل را که مؤلفه‌ای اساسی در نظریه اوست، ارائه خواهیم کرد. در این نظریه، خروج فعل فاعل مختار از ضرورت علی - معلولی و ورود فعل وی در منطق ترجیحی و احتمالاتی تبیین می‌شود. سپس، فرایند کنش اجتماعی را با تأمل بر چپستی این فرایند، عناصر کنش اجتماعی و کیفیت ارتباط این عناصر با یکدیگر پی خواهیم گرفت. درنهایت، برای صورت‌بندی فرایند کنش اجتماعی مبتنی بر دیدگاه صدر، از برخی مفاهیم مورد استفاده در فلسفه کنش معاصر که با دیدگاه صدر قرابت دارد، بهره خواهیم برد. از مهم‌ترین این مفاهیم، نظریه غیرتعین‌گرایی علی، مفهوم ظرفیت ساختاریافته و کنترل را می‌توان ذکر کرد.

پیشینه و ضرورت تحقیق

مجید احسن در رساله دکتری خویش با عنوان «بررسی تعارض ضرورت علی و اراده انسانی از دیدگاه حکمت متعالیه و اصولیون معاصر» (۱۳۹۵) در بررسی دیدگاه اصولیون معاصر، به نظر فلسفی صدر مبتنی بر عدم انحصار مواد ثلاث در ضرورت، امکان و امتناع و طرح مفهوم سلطنت اشاره می‌کند؛ اما دیدگاه او را

بسان یک نظریه تبیین نمی‌کند. همچنین وی در این رساله، مفهوم فاعل بالسلطنه را طرح می‌کند که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است.

۲. در بخشی از پایان‌نامه «رابطه حکومت و فرهنگ در سیاست‌گذاری مبتنی بر اندیشه شهید محمدباقر صدر» نگاشته محمدصابر اسدی (۱۳۹۸) درباره علت‌های زمینه‌ای افعال و کنش انسانی در تعبیر صدر، اشاراتی شده است. مسئله نوشتار، سیاست‌گذاری فرهنگی است و مواجهه فلسفی برای تبیین کنش اجتماعی ندارد.

۳. سید علی سیدی‌فرد، در کتابی با عنوان «ژرف‌کاوی؛ روشی برای شناخت مسائل اجتماعی» (۱۴۰۳) طی صفحاتی به کنش اجتماعی و دیدگاه ناتعین‌گرای صدر می‌پردازد. هرچند او به خصلت احتمالاتی بودن برای تبیین کنش اجتماعی اذعان دارد؛ اما عناصری که برای فرایند کنش اجتماعی تصویر می‌کند با دیدگاه مشهور که قائل به زنجیره ضروری است، تفاوت مبنایی ندارد؛ لذا، از این منظر، صورت‌بندی او با صورت‌بندی این نوشتار تفاوت ماهوی دارد.

۱. مبادی تصویری

اولین گام برای تبیین فلسفی یک فرایند، روشن کردن مبادی تصویری آن برای جلوگیری از خلط مفهومی و اشتراک لفظ است. در این باره، باید به سه مبدأ تصویری اشاره کنیم:

۱. ۱. **سلطنت:** صدر مفهوم سلطنت را برای ممکن‌الذات در برابر وجوب از ناحیه غیر ابداع می‌کند. سلطنت وصفی است برای برخی از ممکنات که با ترجیح فاعل خود، موجود می‌شوند (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ۸۱)؛ به عبارتی، این ممکنات برای موجود شدن، نیازمند وجوب از ناحیه غیر نیستند، بلکه به سلطنت غیر نیاز دارند. صدر با شکستن حصر مواد ثلاث و قائل شدن به سلطنت، آغاز راه را برای ایده فاعلیت آزادانه نفس جهت تحقق فعل می‌گشاید. در این مقاله، برای اشاره به سلطنت کنشگر نسبت به فعل، از عبارت «تسلط عامل» استفاده شده است.

۱. ۲. **زمینه جامعه:** زمینه جامعه در اصطلاح علم اجتماعی صدر، در حکم قوه و استعداد برای انتخاب فاعل مختار بوده و شامل عناصر ادراکی و تحریکی است (صدر، ۱۴۳۴الف: ۱۱۶) که در ادامه نوشتار از آن بحث خواهد شد. با توجه به درهم‌تنیدگی قوه و استعداد با علت مادی، می‌توان زمینه جامعه را در حکم علت مادی کنش اجتماعی برشمرد.

۳.۱. کنش اجتماعی: کنش اجتماعی، فعلی مختارانه در زمینه جامعه (علت مادی کنش) است که با هدفی خاص (علت غایی کنش) توسط فاعل بالسلطنه (علت فاعلی کنش) تحقق می‌یابد (همان: ۸۲). از نظر صدر، انتخاب و ترجیح یک فعل، با ظرفیت ساختاریافته ۱ از زمینه جامعه مرتبط است. با توجه به معرفی مفهوم سلطنت به جای مفهوم وجوب بالغیر توسط صدر، کنش اجتماعی، از قاعده ضرورت علی خارج است.

۲. نظریه تسلط عامل در فعل

در بخش‌های قبلی اشاره شد که معرفی فاعل بالسلطنه به جای فاعلی که به فعل خود وجوب می‌بخشد، به ما اجازه می‌دهد که از اصطلاح تسلط عامل استفاده کنیم. تسلط کنشگر، محور اصلی صورت‌بندی فرایند کنش اجتماعی است. قاطبه فلاسفه مسلمان ضرورت و اختیار را منافی یکدیگر نمی‌دانند. از نظر آنان، اختیار یکی از مؤلفه‌های ضرورت‌بخش به فعل است. اما صدر، در تبیین کنش اجتماعی انسان، اساساً ضرورت را به کناری نهاده و به جای آن از سلطنت استفاده می‌کند. در این مقام، باید از کژفهمی پرهیز کرد. کنارنهادن ضرورت از سوی صدر به معنای کنارنهادن اصل علیت (نیازمندی معلول به علت) نیست. نقطه تمایز دیدگاه صدر با دیدگاه فیلسوفان، اصولی است که فلاسفه آنها را ملازم اصل علیت دانسته‌اند. از نظر فیلسوفان اصل ضرورت علی - معلولی، و اصل وجوب غیری معلول از ناحیه علت، ملازم اصل علیت بوده و انکار آنها در حکم انکار اصل علیت است. اما صدر با انکار اصولی که فلاسفه ملازم اصل علیت دانسته‌اند، معتقد است که توجه به سلطنت کنشگر در افعال فاعل مختار، معلوم می‌دارد که اصل علیت با احتمال نیز هم‌خوانی دارد. اجازه دهید عدم‌پذیرش اصل ضرورت علی - معلولی از سوی صدر را در مورد فاعل بالسلطنه اندکی واکاوی نماییم.

۲.۱. خروج فعل فاعل مختار از قاعده ضرورت علی - معلولی

از منظر صدر، ضرورت وصف لاینفک علیت نیست، و فعل فاعل مختار تخصصاً از قاعده ضرورت علی - معلولی خارج است. او محدوده این قاعده را فاعل‌های طبیعی می‌داند. برای توضیح نحوه خارج شدن فاعلیت انسان از قاعده ضرورت ۲، در سه گام، نگاه فلسفی صدر را توضیح می‌دهیم.

۱. در این باره در ادامه سخن خواهیم گفت.

۲. انتقاد تفصیلی نظریه سلطنت در ادبیات موجود در این حوزه، چندان به چشم نمی‌آید. به عنوان نمونه رک: احسن، ۱۳۹۵: ۹۹-۹۵.

الف) برهانی و بدیهی نبودن اصل ضرورت علی - معلولی: از نظر صدر، برخی افعال از شمول اصل ضرورت علی - معلولی که معمولاً در قالب قاعده «الشیء ما لم یجب لم یوجد» بیان می‌شود، خارج هستند. در برخی روابط علی - معلولی، معلول با آمدن علت تامه ضروری می‌شود، اما در برخی دیگر، این‌گونه نیست. در فاعل‌های موجب و طبیعی، فعل از ناحیه علت ضروری می‌شود؛ اما در فاعل مختار، ضرورت حاکم نیست. برای سنجش عدم حاکمیت ضرورت در افعال اختیاری خود، کافی است به تجربه درونی خود مراجعه کنیم (همان: ۸۹). با مراجعه به تجربه درونی از افعال اختیاری خود، این امر تأیید می‌شود که حتی با وجود تمامی عوامل یک فعل، از جمله اراده بر آن، همچنان می‌توان آن را ترک کرد و ضرورتی متعین در میان نیست. عدم تعین ضروری فعل انسانی، امری تجربی و وجدانی است. عدم شمول این اصل سبب می‌شود که نتوان یک حکم کلی مبنی بر بدیهی یا برهانی بودن این اصل ارائه کرد. این اصل، نه بدیهی است که بی‌نیاز از استدلال دانسته شود، و نه برهانی است تا به دنبال استدلال برای درستی آن باشیم (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ۸۹-۸۸).

ب) عدم انحصار موجود شدن ممکن الوجود از طریق وجوب غیری: فلاسفه، امکان ذاتی شیء را برای تحقق آن کافی ندانسته و معتقدند که ممکن برای تحقق، نیازمند ضروری شدن از ناحیه علت است. به بیان دیگر، فلاسفه معتقدند که شیء جز از مسیر وجوب بالغیر موجود نمی‌شود. از منظر صدر، هر چند که این مطلب در باره علت‌های طبیعی صحیح است؛ اما علت‌های مختار را شامل نمی‌شود (همان: ۸۹). پیشنهاد او جایگزین کردن اصلی کلی‌تر است تا علاوه بر علت‌های طبیعی، علت‌های مختار را نیز شامل شود. اصل پیشنهادی او چنین است: شیء جز از مسیر وجوب بالغیر یا سلطنت موجود نمی‌شود.

سلطنت در دستگاه فکری صدر، گویی در میانه وجوب و امکان می‌نشیند. این مفهوم، نقطه افتراق و اشتراکی با هر دو مفهوم امکان و ضرورت دارد. سلطنت از این حیث که نسبت به وجود و عدم علی‌السویه است، به امکان شباهت دارد، با این تفاوت که امکان برای وجود معلول کفایت نمی‌کند و نیازمند ضمیمه‌ای است که در نهایت منجر به وجود معلول شود؛ برخلاف سلطنت که برای وجود معلول کافی است و با وجود فاعل دارای سلطنت بر فعل، فعل محقق می‌شود. سلطنت از این حیث که با بودنش، فعل تحقق می‌یابد مشابه وجوب است، با این تفاوت که با وجوب، وجود معلول ضرورت می‌یابد، برخلاف سلطنت که با وجود

آن، فعل ضرورت نمی‌یابد؛ بلکه با درجاتی از احتمال ۱ موجود می‌شود. ۲. به عبارت دیگر، مفهوم وجوب گویای عبارت «باید انجام دهد» ۳ است برخلاف مفهوم سلطنت که با عبارت «مقدور و محتمل است که انجام دهد» ۴ ابراز می‌گردد (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۳۶-۳۷). راه اثبات سلطنت، وجدان است. با مراجعه به خود و درون‌نگری درباره نحوه تحقق افعالمان می‌یابیم که رابطه ما با افعالمان نه رابطه وجوب، بلکه رابطه سلطنت است به طوری که حتی با تأمه شدن علت و فراهم شدن همه شرایط برای انجام فعل، باز سلطه ما برای ترک فعل باقی است و صدور فعل از ما هیچ نحوه ضرورتی پیدا نکرده است (همان: ۹۰-۸۹).

ج) پایه‌گذاری معنای جدیدی از فاعلیت؛ فاعلیت بالسلطنه: در نگاه فلاسفه، انواع فاعل بالاراده (بالقصد، بالتجلی و...) دارای علیت ضروری هستند. فعل آنها در چارچوب قاعده «الشیء مالم یجب لم یوجد»، صادر می‌شود. اما صدر این قاعده را کلی نمی‌داند و در مورد افعال اختیاری انسان، قائل به ضرورت نیست ۵. او فاعل بالسلطنه را معرفی می‌کند که علیت او همچون فاعل‌های بالاراده نیست که ضروری باشد؛

۱. صدر با تفسیر جدیدی که از احتمال ارائه می‌دهد، از احتمال ذاتی و موضوعی سخن گفته و تبیین احتمالاتی را بر اساس قواعد احتمال موضوعی بنا می‌نهد. (رک: صدر، الاسس المنطقية للاستقراء؛ مجتبی مصباح، احتمال معرفت شناختی: ۸۰-۷۲)
 ۲. عبارت ایشان چنین است: «أن السلطنة تشترك مع الإمكان في شيء، ومع الوجوب في شيء، وتمتاز عن كل منهما في شيء؛ فهي تشترك مع الإمكان في أن نسبتها إلى الوجود والعدم متساوية، لكن تختلف عن الإمكان في أن الإمكان لا يكفي لتحقيق أحد الطرفين، بل يحتاج تحقيقه إلى مؤونة زائدة... وهي تشترك مع الوجوب في الكفاية لوجود شيء بلا حاجة إلى ضمّ ضمیمه، وتمتاز عنه بأن صدور الفعل من الوجوب ضروري، ولكن صدوره عن السلطنة ليس ضرورياً؛ إذ لو كان ضرورياً لكان خلف السلطنة، وفرق بين حالة (له أن يفعل) وحالة (عليه أن يفعل)، وقد فرضنا أننا وجدنا مصداقاً للسلطنة، وأنّ له أن يفعل، وينتزع العقل من السلطنة- باعتبار وجدانها لهذه النكات- مفهوم الاختيار، لا من الوجوب ولا من الصدفة.

۳. علیه أن يفعل

۴. له أن يفعل

۵. آیت‌الله خونی به عنوان استاد شهید صدر، با استناد به عدم سنخیت میان انسان به عنوان فاعل مختار و افعال او، ضروری بودن افعال انسانی را در چرخه تبیین کنش مردود می‌داند. از نظر او، با توجه به عدم سنخیت میان فاعل مختار و افعال او، این افعال در مرتبه علت موجود نیستند تا محفوف به ضرورت در آن مرتبه باشند. افعال انسان تحت اختیار و مشیت انسان است و نظام تخلف ناپذیری بر انسان و کارهایش حاکم نیست. به همین جهت، هیچ ضرورت سابقی بر افعال اختیاری انسان حاکم نیست. (رک: ابوالقاسم خونی، محاضرات فی اصول الفقه، ج ۱: ۴۳۹).

بلکه ترجیح یا ترک فعل توسط این فاعل مدلل به دلایل اوست. از آنجا که علیت مدنظر صدر علیتی ایجابی^۱ نیست، برخی نظریه سلطنت نفس را شبیه به نظریات غیرتعیین‌گرای علی^۲ در فلسفه عمل معاصر دانسته‌اند (سیدی فرد، ۱۴۰۳: ۱۱۶). ارتباط ترجیح یا ترک فعل با دلایل فاعل سبب می‌شود که تبیین صدر از کنش اجتماعی تبیینی احتمالاتی^۳ باشد.

۲.۲. ورود فعل فاعل مختار در منطق ترجیحی

مشهور فلاسفه قائل‌اند که ترجیح بدون مرجح محال است. صدر با پیروی از مکتب استاد خود، آیت‌الله خوئی (خوئی، ۱۴۲۲ق، ج: ۱، ۳۹۰)، یکی دیگر از اختلافات مبنایی خود با مشهور فلاسفه را توضیح می‌دهد. مشهور فلاسفه، ترجیح بلامرجح را همچون ترجیح بلامرجح محال دانسته‌اند. به‌عنوان مثال، ابن سینا و ملاصدرا انکار هر یک از این دو قاعده را مستلزم انکار دیگری دانسته‌اند (ابن سینا، ۱۳۷۵ش، ج: ۳: ۲۰-۱۹؛ صدرالمتهلین، ۱۹۸۱م، ج: ۱، ۲۰۷). در مقابل این دیدگاه، صدر، میان این دو حکم، تفکیک قائل شده است و ضمن پذیرش نیاز معلول به علت بیرونی، قول به محال بودن ترجیح بلامرجح را باطل دانسته است. خوئی در بیان تفاوت میان این دو حکم می‌گوید: «سخن ما در نفی نیاز به مرجح در انتخاب یک طرف، توسط فاعل مختار است و مستشکلین، نسبت انکار نیاز به سبب را به ما می‌دهند؛ درحالی‌که فرق است بین انکار ترجیح بلامرجح که مربوط به علت غایی است و انکار ترجیح بلامرجح که مربوط به علت فاعلی است و ما منکر اولی هستیم نه دومی» (خوئی، ۱۴۲۲ق، ج: ۱، ۳۹۰). ترجیح مربوط به فاعل است که در انگیزه‌های ذهنی خود برای نتیجه فعل، بدون مرجح، چیزی را بر چیز دیگر ترجیح دهد و ترجیح مربوط به خود شیء و معلول است که آیا ممکن است معلولی، خودبه‌خود و تصادفی و بدون اینکه فاعلی وجود او را بر عدم آن ترجیح دهد، رجحان وجود یابد و موجود شود؟ نتیجه آنکه، با امکان وقوع ترجیح بلامرجح از طرف فاعل که به انگیزه غایی او مرتبط است، بسیار محتمل است که انسان به‌عنوان کنشگر همراه با سلطه، طرف مرجوح را انتخاب و کنشگری کند و هیچ ضرورتی برای محال بودن این امر وجود ندارد.

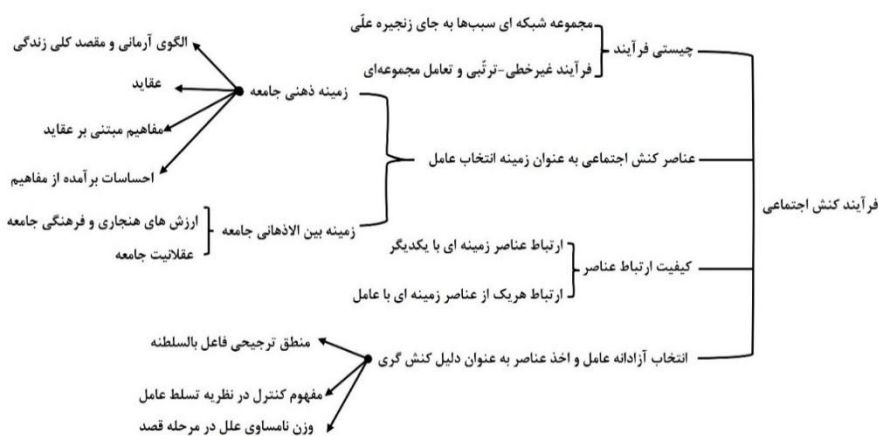
۱. نائینی فهم و برداشت فیلسوفان از علیت را «علیت بنحو الایجاب» می‌نامد. این نامگذاری کنایه‌ای است بر این که علیت تام می‌تواند به نحو غیرضروری نیز رخ دهد همانگونه که در افعال اختیاری انسان مشاهده می‌کنیم. (رک: محمدحسین نائینی، اجود التقریرات، ج: ۱، ۱۱)

2. indeterministic theories of action

3. probabilistic explanation

۳. فرایند کنش اجتماعی

با توجه به روشن ساختن مبادی تصویری بحث و نیز نظریه تسلط کنشگر، اکنون نوبت آن رسیده است که در باره فرایند کنش اجتماعی سخن بگوییم. در این مقاله، فرایند کنش اجتماعی در اندیشه صدر را مبتنی بر چهارچوب ذیل ارائه می‌کنیم.



شکل ۱: چهارچوب صورتبندی فرایند کنش اجتماعی

۳.۱. چیستی فرایند کنش اجتماعی

برای صورت‌بندی فرایند کنش اجتماعی، نخست باید از چیستی فرایند کنش اجتماعی سخن بگوییم.

۳.۱.۱. مجموعه شبکه‌ای سبب‌ها به جای زنجیره علی

در تصویر منتسب به مشهور فلاسفه اسلامی، کنش اجتماعی، فرایندی علی است که با استعاره «زنجیره» فهم می‌شود. این زنجیره حلقه‌هایی دارد که با گذر از حلقه اول، به حلقه دوم می‌رسد و در نهایت به آخرین حلقه که نتیجه اتصال حلقه‌های قبلی است، منتهی می‌شود. بنا بر یک تصویر، این حلقه‌ها عبارت‌اند از: نیاز، تمایل، علم، حکم عملی و اراده؛ و بنا بر تصویری دیگر، این حلقه‌ها عبارت‌اند از: علم، شوق اکید، حکم عملی و اراده (ذاکری، ۱۳۹۴: ۲۲۹). با توجه به اینکه صدر تأثیر زمینه جامعه بر افکار

عملی را امری اختیاری دانست که انسان با اختیار خود سامانه‌ای سازگار با محیط خود جعل می‌کند،^۱ (صدر، ۱۴۳۱ق، ج: ۱، ۴۳۶) تأثیر عوامل در فرایند تحقق فعل، نه ضروری است و نه استقلالی. در نگاه صدر، در فرایند کنش، یک زنجیره ترتبی وجود ندارد که وجود یکی منجر به وجود حلقه بعدی به‌عنوان معلول آن شود. در نگاه او، عوامل در قالب یک شبکه به‌هم پیوسته، منجر به تحقق فعل می‌شوند.

۲.۱.۳. فرایند غیرخطی - ترتبی و تعامل مجموعه‌ای

در نگاه مشهور، فرایند کنش اجتماعی، به‌عنوان زنجیره‌ای علیّ فهم می‌شود. زنجیره‌ای از واقعیت‌های به‌هم پیوسته که به نحو ترتب حقیقی، نقش علیّ در تحقق فعل دارند. در این فرایند، نقطه آغازی وجود دارد که منجر به تحقق حلقه بعدی می‌شود و حلقات متوالی زنجیره تا آخرین حلقه که اراده است، ادامه می‌یابد و فعل را ضرورتاً محقق می‌کند. در فرایند خطی، عناصر بر یکدیگر ترتب منطقی دارند و گذر از هر موقف در این فرایند، زمینه را برای رسیدن به موقف بعدی آماده می‌کند و در نهایت علت‌های مترتب بر یکدیگر منجر به تامه شدن سبب‌ها و بروز ضروری کنش همسو می‌شود. صاحبان این دیدگاه می‌دانند که احصاء علت تامه درباره مسائل علوم اجتماعی، از جمله کنش اجتماعی، گاهی مقدور نیست. آنان این عدم توانایی را به نقص دانشی ما درباره علل و عناصر این فرایند مربوط می‌دانند.

از منظر صدر، تأثیر عوامل قبل از اراده، نه به‌صورت ترتبی بر یکدیگر، بلکه به‌صورت مجموعی و پیچیده است. نسبت آن عوامل با اراده، نسبت ماده و استعداد با صورت فعلیت‌بخش خود است (صدر، ۱۴۳۴ الف: ۸۲). نسبت عوامل با یکدیگر نیز رابطه علیّ نیست؛ بلکه هر کدام ممکن است علت علی حده‌ای بیرون از عوامل قبلی داشته، و لذا مجموعاً نه یک سلسله بلکه یک شبکه منسجم را تشکیل دهند. در این فرایند غیرخطی، آزادی فاعل بالسلطنه از عوامل پیش‌اراده، کنش اجتماعی را از بروز ضروری مبرا می‌کند. در اینجا نیز، گاه نمی‌توان در باره تحقق یا عدم تحقق یک کنش اجتماعی اظهارنظر قطعی داشت. اما این عدم توانایی به نقص دانشی ما درباره علل و عناصر این فرایند مربوط نمی‌شود؛ بلکه با احتمالاتی بودن کنش و آزادی کنشگر ارتباط دارد.

۱. عبارت او در آخرین سطور کتاب فلسفتنا چنین است: انّ تکیّف الافکار العملیه بمقتضیات البینه و ظروفها لیس آلیاً، بل هو تکیّف اختیاری، ینشأ من دوافع اراده فی الانسان، تسوقه الی جعل النظام المنسجم مع محیطه و بینه.

۳. ۲. عناصر کنش اجتماعی به عنوان زمینه انتخاب کنشگر

صدر زمینه‌های جامعه را علت مادی کنش اجتماعی می‌داند (صدر، ۱۴۳۴ الف: ۸۲). به عبارتی، زمینه‌ها - که هویت درونی جامعه است - قوه و استعدادی برای صورت‌بخشی کنشگر را فراهم می‌آورند. اجازه دهید با وام‌گیری از اصطلاح «ظرفیت ساختاریافته»^۱ که نخستین بار اوکانر مطرح کرده است زمینه‌های جامعه به مثابه علت مادی کنش را در اندیشه صدر توضیح دهیم. ظرفیت ساختاریافته به معنای این است که عوامل مختلفی، مانند عقاید، مفاهیم و انگاره‌های ذهنی، احساسات، عقلانیت و هنجارها، ساختاری را ایجاد می‌کنند که بر انتخاب‌های کنشگر تأثیر می‌گذارند. این ساختار، مجموعه‌ای از احتمالات و محدودیت‌ها را تعیین می‌کند که در آن، فرد می‌تواند با درجات مختلفی از خودمختاری عمل کند (O'Connor, 2002, p.108-126). این مفهوم به ما اجازه می‌دهد ضمن حفظ تسلط عامل، محدوده آزاد عمل کردن وی را به نحو احتمالاتی نشان دهیم. صدر تصریح دارد که تأثیر انسان از محیط و مقتضیات بیرونی در افکار عملی امری اختیاری است (صدر، ۱۴۳۱ ق، ج: ۱، ۴۴۱). این انتخاب نه تصادفی بوده و نه مبتنی بر ضرورت است؛ بلکه نتیجه اراده و قدرت انتخاب فرد است.

صدر، زمینه جامعه، یا همان ظرفیت ساختاریافته، را با استفاده از اصطلاح‌شناسی ارسطویی، علت مادی کنشگری اجتماعی می‌داند و نه علت اعدادی (صدر، ۱۴۳۴ الف: ۸۲) زیرا از نگاه او، زمینه جامعه حیثیت امکان‌های متعدد است و کنشگر با امکان‌ها و قوه‌های متعددی روبه‌روست؛ همچون ماده در فلسفه ارسطو که حیثیت قبول بوده و امکان تحقق با صورت‌های متعدد را داراست. زمینه جامعه، همچون ماده، ظرفیتی را در اختیار کنشگر می‌نهد. کنشگر، با سلطنت خود، ضمن اثرپذیری اختیاری از زمینه جامعه (با نظر به انگیزه‌های درونی خود)، سامانه‌ای سازگار با محیط خود بنا می‌کند (صدر، ۱۴۳۱ ق: ۴۴۱). با توجه به ناتعین‌گرایی^۲ صدر، اثرپذیری فاعل بالسلطنه از زمینه جامعه، امری مکانیکی و ضروری نیست.

1. Structured Capacity Person and causes: The Metaphysics of Free Will, occaner, 2002, chapter 5 & 6.

۲. ناتعین‌گرایی علمی دیدگاهی است که در آن علت رویدادها، رویدادهای قبلی هستند اما این رابطه‌ی علمی لزوماً جبرگرایانه نیست. به عبارت دیگر، یک رویداد می‌تواند چندین علت احتمالی داشته باشد و اینکه کدام علت در نهایت مؤثر واقع می‌شوند، امری قطعی نیست.

برای مطالعه بیشتر رک: Person and causes: The Metaphysics of Free Will, occaner, 2002, chapter 2

اما زمینه جامعه را چه اموری تشکیل می‌دهند. به نظر می‌رسد که در اندیشه صدر، زمینه جامعه متشکل از زمینه ذهنی و زمینه بین‌الذهانی است.

۳. ۲. ۱. زمینه ذهنی جامعه

در نگاه صدر، زمینه ذهنی جامعه برای کنش، تعامل علی چهار مرحله را شامل می‌شود که به ترتیب عبارت‌اند از: الگوی آرمانی، عقاید هستی‌شناختی، شبکه مفاهیم و احساسات. هر چند که این چهار مؤلفه، دارای ترتب علی هستند اما شاید تعبیر دقیق‌تر آن باشد که رابطه آنها را رفت‌وبرگشتی، و به تعبیری، درهم‌تیدگی بدانیم.

صدر محور اصلی فرایند ساخت زمینه جامعه برای کنشگری را الگوی آرمانی^۱ افراد آن می‌داند (صدر، ۱۴۳۴ الف: ۱۳۵). مقصود از الگوی آرمانی، الگویی است که با نگاه کلی به هستی و زندگی رابطه مستقیم دارد (همان: ۱۳۶). شاید بتوان الگوی آرمانی را مقاصد کلی زندگی دانست. الگوی آرمانی، اهداف تفصیلی^۲ را شکل می‌بخشد و اهداف جزئی از آن ناشی می‌شوند. پس اهداف که خود، محرک تاریخ‌اند، ریشه در خاستگاهی عمیق‌تر در درون مایه انسان دارند که همان الگوی آرمانی است و همه غایت‌ها و اهداف بر محور آن شکل گرفته و ریشه در آن دارند (همان: ۱۳۶-۱۳۵).

صدر با معرفی این مفهوم، در واقع، نگاه غیرشبکه‌ای به زندگی را نگاهی نادرست قلمداد کرده است. این‌گونه نیست که الگوریتم کنش در انسان، با درک یک امر کلی و منعزل از بقیه امور و آنگاه جستجوی مصادیقی جزئی از آن آغاز شود. همچنین این‌گونه نیست که پایه اولیه کنش انسان، نیاز و به تبع آن، اعتباریات اجتماعی باشد.

۱. المثل العليا. صدر از انواع الگوهای آرمانی سخن می‌گوید که بحث از آن خارج از موضوع اصلی این نوشتار است. ایشان از دو الگوی آرمانی مقیدگرا و مطلق‌گرا صحبت می‌کند که عقاید، باورها و احساسات ویژه‌ای را بارور می‌کند. برای مطالعه بیشتر رک: مدرسه القرآنیه، ۱۴۳۴ الف: ۱۳۵-۱۴۸.

۲. در نگاه شهید صدر که عاملیت فاعل بالسلطنه به عنوان محرک تاریخ نگریسته می‌شود و فراتر از قوانین مقهوره‌ی علی، در قالب سنت‌های الهی (و نه اراده‌ی آزاد بدون قید) دیده می‌شود، آنچه این حرکت را شروع می‌کند، همان الگویی است که اهداف تفصیلی و جزئی بر اساس آن تنظیم و انسجام می‌یابند. لذا او از درک کلی و جزئی و سپس شوق بر انجام آن درک، سخن نمی‌گوید، بلکه آن الگوی آرمانی منجر به حرکت و کنش می‌شود و اهداف را سامان می‌دهد و سپس ادراک‌های کلی و جزئی و نیز البته ادراکات اجمالی به کمک برای انجام کنشی اجتماعی می‌آید.

عقاید هستی‌شناختی مبتنی بر الگوی آرمانی هستند (صدر، ۱۴۳۴ب: ۳۳۹-۳۳۸). این عقاید گویی در ذهن افراد جامعه مسلم و بی‌چون‌وچرا جای‌گیر هستند. طبیعی است که با توجه به تفاوت الگوی آرمانی در جوامع مختلف، شاهد تفاوت در عقاید هستی‌شناختی باشیم.

عقاید هستی‌شناختی، مبنایی برای ظهور شبکه‌ای از مفاهیم مرتبط هستند که چارچوب تفسیر اشیا را برای فرد مهیا می‌کنند (همان: ۳۳۹). می‌توان گفت که مقصود صدر از مفاهیم در اینجا تصوّرات و ادراک‌های کلی است که با نظر به اصطلاحات فلسفه اسلامی، اعم از معقولات اولیه و ثانویه فلسفی است. جامعه الف را در نظر بگیرید. این جامعه دارای الگوی آرمانی است و بر اساس آن، عقاید هستی‌شناختی خاصی دارد که منجر به ظهور شبکه‌ای از مفاهیم به هم مرتبط می‌شود. اکنون جامعه ب را با الگوی آرمانی متفاوت در نظر بگیرید. این الگوی آرمانی نیز منجر به عقاید هستی‌شناختی خاص و ظهور شبکه مفهومی مرتبط می‌شود. طبیعی است این انتظار را داشته باشیم که افراد جامعه الف در چارچوب مفهومی حاصل، تلقی متفاوتی از مثلاً، عدالت، نسبت به جامعه ب داشته باشند.

توجه به انسان، به‌عنوان موجودی با ابعاد شناختی، عاطفی و کنشی، صدر را به این ایده می‌رساند که تلقی افراد از امور اجتماعی در یک شبکه مفهومی، همراه با پیامدهای عاطفی است و منجر به احساسات متناسب می‌شود. عدالت را در نظر بگیرید. تلقی یک مسلمان از عدالت در چارچوب مفهومی او، گرایش عاطفی خاصی را در او برمی‌انگیزد و این گرایش عاطفی، او را برای کنش فعال نسبت به رخدادهای اجتماعی آماده می‌کند (همان: ۳۳۹).

آنچه گفته شد نشان می‌دهد که در اندیشه صدر، نوعی درهم‌تنیدگی و امتزاج علیّ میان مقاصد کلی زندگی، عقاید هستی‌شناختی، چارچوب مفهومی و گرایش‌های عاطفی وجود دارد. نکته جالب آن است که این تعامل، گویی در ناخودآگاه جامعه حاضر است و شاید نقش یک متفکر، آوردن این امر ناخودآگاه جمعی، به خودآگاه جمعی است تا به تبع آن بتواند به ایجاد کنشی خاص، یا تغییر کنشی خاص اقدام نماید.

۳.۲.۲. زمینه بین‌الذهانی جامعه

صدر پس از طرح زمینه‌های ذهنی، از زمینه بین‌الذهانی جامعه صحبت می‌کند. زمینه‌های بین‌الذهانی مانند عقیده، مفاهیم و احساسِ منبعث از آن، لزوماً مترتب بر یکدیگر نیستند و نیز به طور ضروری و دائمی با آن محتوای درونی فردی رابطه علیّ ندارند. صدر اولین زمینه بین‌الذهانی را ارزش‌های هنجاری و خلق‌و‌خوی یک جامعه می‌داند. وی اظهار می‌کند که خلق‌و‌خوی مختص هر جامعه به درجات

مختلفی در گرایش، نگرش و ارزش‌گذاری امور مدخلیت دارد. ارزش‌های هنجاری و خلق‌وخوی یک جامعه بسیار پابرجا و استوار است و نمی‌توان به مجرد خلل وارد کردن در حلقه عقیده و مفاهیم، آن را ریشه‌کن ساخت (صدر، ۱۴۳۴: ۳۰). عنصر دیگر زمینه بین‌الذهانی، عقلانیت مربوط به آن جامعه و باورهای عقلایی است. صدر در تبیین علت عدم تحقق مکتب کمونیست در جامعه اسلامی می‌گوید لازمه تحقق نظام کمونیستی، تغییر و تحول اجتماعی بزرگی است که نیازمند «روحیه پذیرش» این مکتب و «عقلانیت مختص به آن» در مردم است. به گفته ایشان، هر حکومت یا قدرتی برای پیاده‌سازی سیاست‌های خود اگر به هم‌سوسازی این بعد جامعه با آن سیاست‌ها توجه نکند ناگزیر است که به استبداد و توسل به زور روی آورد و این استبداد نتیجه‌ای به جز افزایش مقاومت نخواهد داشت (صدر، ۱۴۳۴: ۴۱). صدر با طرح زمینه‌های بین‌الذهانی به‌نوعی به شبکه‌ای بودن زمینه جامعه نیز به طور ضمنی اشاره دارد.

۳.۳. کیفیت ارتباط عناصر

پس از طرح زمینه‌های جامعه به‌عنوان عناصر کنش اجتماعی، باید ارتباط میان عناصر را بررسی کرد و یکی از مهم‌ترین مباحثی که در نظریه کنش اجتماعی، تعیین‌گر نوع نظریه است، بررسی همین ارتباط است. مبتنی بر نظریه نوآورانه صدر، این ارتباط را با تفکیک ارتباط عناصر با یکدیگر و نیز ارتباط کنشگر با این عناصر، باید پی بگیریم.

الف) ارتباط عناصر زمینه‌ای با یکدیگر

ارتباط عناصر بخش اول (زمینه ذهنی جامعه) با یکدیگر، علی و به نحو مقتضی و تعاملی است. بنابر آنچه درباره زمینه ذهنی جامعه صدر اظهار داشت، مقصد و آرمان کلی زندگی، علت ایجاد عقیده‌های هستی‌شناسانه متناسب با آن است. عقاید، مفهوم‌های متناسب با آن را ایجاد می‌کنند و همچنین این مفهوم‌سازی در ذهن، اقتضای برانگیختن عاطفه را دارد. ارتباط عناصر بخش دوم با بخش اول نیز با یک تفصیل روبه‌روست: ارزش‌های هنجاری و خلق‌وخوی جامعه برگرفته از درون‌مایه ادراکی است که البته با وسائلی به آن منتهی می‌شود. درباره عقلانیت مربوط به یک جامعه، نمی‌توان گفت به صورت علی از درون‌مایه ادراکی پدید می‌آید، بلکه گاهی حاصل توافقات جمعی عرفی عقلاء و تجارب انضمامی است (صدر، ۱۴۳۴: ۴۱). از این‌رو، ارتباط بین عناصر با یکدیگر به نحو علی و در برخی موارد به نحو غیرعلی است. اما آنچه مهم‌تر است و دیدگاه صدر را متمایز می‌کند، ارتباط عناصر ناظر به کنش‌گر کنش‌گر است.

باید دید آیا همین رابطه‌ی علی که میان پدید آمدن عناصر با یکدیگر وجود دارد و منجر به بروز حکمی عملی می‌شود؛ آیا همین سنخ ارتباط میان عناصر و کنش‌گر برقرار است؟ این نکته اساسی را ناظر به نظریه تسلط عامل صدر، بررسی خواهیم کرد.

ب) ارتباط هریک از عناصر زمینه‌ای با کنشگر

مبتنی بر دیدگاه‌های صدر، نوع ارتباطی که کنشگر با مجموع عناصر به‌عنوان زمینه انتخاب خویش دارد، با نوع ارتباطی که هریک از عناصر با یکدیگر دارند، متفاوت است و زیربنای نظریه سلطنت همین نوع ارتباط است. انجام عمل و نیز ترک عمل، یک فرایند تصمیم‌سازی^۱ دارد و این فرایند متفاوت از دانستن و برانگیختگی عاطفی نسبت به آن و یا عمل طبق هنجارها و عقلانیت است. ممکن است گمان شود که حلقات عناصر که هویت درونی^۲ داشتند، مربوط به زمینه ذهنی خود کنشگر به‌عنوان فردی از جامعه نیز هست و بنابراین رابطه‌ی علی حلقات و هم‌بستگی علی آن، در ذهن کنشگر نیز موجود است و بنابراین اثرپذیری انتخاب وی از این حلقات به نحو علی است. باید توجه داشت که این تفسیر با روح نظریه سلطنت، تنافی دارد؛ چراکه با این تصویر از به‌هم‌پیوستگی عناصر با کنشگر، نمی‌توان تخلف سلطنت‌وار کنشگر از هم‌بستگی علی قبلی را توجیه کرد؛ بنابراین ارتباط کنشگر با هریک از این عناصر، رابطه‌ی اثرپذیری علی نیست. بلکه ظرفیتی از بینش‌ها، ادراکات، احساسات، ارزش‌های هنجاری، مقاصد زندگی و عقلانیت به نحو شبکه‌ای از داشته‌ها برای کنشگر پدید می‌آید که ارتباط وی با هر یک از آنها برای تحقق فعل، ارتباط علی ذاتی و غیرتخلف‌پذیر نیست و بلکه ارتباط علی عارضی است.^۳ ارتباط کنشگر با هریک از آن عناصر، می‌تواند با وزن‌های مختلفی از اثرپذیری همراه باشد و این همه به انتخاب کنشگر بستگی دارد. او می‌تواند در انتخاب

1. Decision making

۲. صدر از آن به «محتوی الداخلی» تعبیر نمودند.

۳. به لحاظ فلسفی انواع ارتباطی میان اشیا می‌توان فرض کرد. برخی از ارتباطها اساساً اعتباری است. برخی ارتباطها اما واقعی و علی هستند. نکته‌ی قابل توجه اینجاست که همه‌ی ارتباطهای علی، ذاتی نیستند بلکه ارتباط علت هستی‌بخش با معلول خود، ارتباط ذاتی و لاینفک است. برخی رابطه‌های علی رابطه‌ی عارضی هستند؛ یعنی هرچند فعلاً و در مقطعی اینگونه رخ داده که یک چیز علت چیز دیگری شود، ممکن است در موقعیتی دیگر، آن چیز معلول همان شیء باشد. در علیت جزء‌العله و شرط و مقتضی این امکان وجود دارد. بنابراین هریک از عناصر می‌توانند این رابطه‌ی علی و عارضی را نسبت به فعل عامل داشته باشند. در یک زمان و شرایط زمانی و مکانی، بیش نسبت به یک امر منجر به تحقق فعلی شود که در زمانی دیگر همان بیش منجر به تحقق فعل هم‌سو نشود. لذا این رابطه، رابطه‌ی ذاتی دائمی نیست.

خود، مخالف زمینه ذهنی خود و زمینه ذهنی و بین‌الذهانی جامعه رفتار کند؛ بنابراین وی با شبکه‌ای از عناصر به هم مرتبط مواجه است که باید انتخاب فعل خود را بر اساس آن سامان دهد و سامانه‌ای سازگار برای انتخاب خود بنا نهد.

۴. انتخاب آزادانه کنشگر و اخذ عناصر به عنوان دلیل کنشگری

بنا بر آنچه درباره کیفیت رابطه عناصر کنش اجتماعی با کنشگر و تسلط او بر فعل گفتیم، انتخاب آزادانه کنشگر، معنادار و البته دلیل مند است. برای این توضیح باید درباره منطق ترجیح فاعل، وزن نامساوی علل و مفهوم کنترل بحث کنیم.

الف) منطق ترجیحی فاعل بالسلطنه

گفته شد در نگاه صدر، فعل‌های انسانی برای محقق شدن به ضرورت نمی‌رسند؛ بلکه با سلطه فاعل بالسلطنه به وجود می‌آیند؛ بنابراین بحث از انتخاب کنشگر را باید پیرامون «منطق ترجیح» میان امکان‌های رفتاری او پیگیری نمود. منطق ترجیح که فاعل بالسلطنه با در نظر گرفتن مجموعه ظرفیت ساختاریافته، آن را نظام می‌دهد، بیش از هر چیز تمایز میان قوه (مبدأ فعل) و تحقق خارجی فعل را نشان می‌دهد. برای مثال تفاوت میان خردمندی و خردورزی؛ داشتن آگاهی و بر اساس آگاهی عمل کردن؛ امری است که به «منطق ترجیح» بر می‌گردد و این فاعل بالسلطنه است که دلیل انتخاب خود را بر می‌گزیند.

عوامل اثرگذار بر انتخاب و ترجیح فاعل که به سان دلایل کنشگر اخذ می‌شوند و صدر آن را علت مادی کنش اجتماعی و ماده پذیرنده انتخاب کنشگر دانستند؛ زمینه ساز تحقق کنش و بنابراین، جانشین‌پذیر^۱ هستند و ممکن است برای تحقق یک کنش اجتماعی، علل دیگری جانشین علل دیگر باشند، بنابراین علل زمینه‌ای، حضورشان دائمی و لایتخلف نیست که همه اینها بستگی به انتخاب و ترجیح کنشگر خواهد داشت.

ب) مفهوم «کنترل» در انتخاب آزادانه کنشگر

تسلط عامل بر فرایند کنش اجتماعی و انتخاب کنشگری همسو یا ناهمسو با مجموع علل و نیز توقف کنشگری، مفهوم کنترل را پیش روی ما قرار می‌دهد. این مفهوم که در ادبیات فلسفه عمل معاصر رایج است،

۱. به دلیل همین جانشین‌پذیری است که صدر در تبیین احتمالاتی نظام استقراء برای فهم روابط پدیده‌های متکی به تجربه، از دسته‌بندی‌های مختلف احتمالاتی سخن می‌گویند و مشکل پارادوکس‌های احتمال و اصل عدم تفاوت را بیان می‌کنند. تفصیل این مورد در مقالات دیگری خواهد آمد.

به توضیح تسلط عامل کمک می‌کند. هنگامی که از عدم تعیین‌بخشی کنش توسط عوامل پیش‌آراده سخن می‌گوییم، به این معناست که همواره کنشگر می‌تواند انتخاب‌گری خود را حفظ و آن را کنترل کند. پس از درک مفهوم کنترل کنشگر، مفهوم علیت عاملی^۱ در تقابل با علیت رویدادی فهم می‌شود. در علیت رویدادی، توانایی اثربخشی بر اشیا و موجودات به طور طبیعی و خودکار اعمال می‌شود. اما در علیت عاملی، کنشگر دارای توانایی کنترل است. یعنی کنشگر می‌تواند آزادانه تصمیم بگیرد که چه زمانی و چگونه از توانایی‌های خود استفاده کند، گرایش‌های خود را مهار کند، به تأخیر بیندازد یا آنها را به سمت هدف خاصی هدایت کند؛ بنابراین، کنترل مستلزم نوعی علیت است؛ اما نه علیت رویدادی که به نحو ضروری اثربخشی بر معلول همسو را به دنبال دارد. مفهوم کنترل مستلزم علیت کنشگر بر انجام فعل است به‌طوری که کنشگر با آگاهی از گزینه‌های ممکن، توانایی انتخاب بین گزینه‌های با وزن نامساوی و در نهایت هدایت عمل به سمت هدف است. در نظریه علیت عاملی، کنشگر به‌عنوان یک موجود فعال و مختار، علت مستقیم کنش‌های خود است. البته این به این معنا نیست که کنشگر می‌تواند هر چیزی را که بخواهد بدون قید و شرطی به وجود آورد؛ بلکه کنشگر در چهارچوب ظرفیت ساختاریافته که شبکه‌ای از باورها، اهداف، الگوها و... است، آزادانه عمل می‌کند (O'Connor, 2002: 23-42). بنابراین هرچند عاملیت او ضروری نیست؛ اما عوامل اثرگذاری وجود دارند که بر انتخاب او به‌عنوان دلایل عمل تأثیر می‌گذارند.

ج) وزن نامساوی علل در مرحله قصد

صدر در ابتکاری، عناصر کنش اجتماعی که هویت درون‌ذهنی دارد را زمینه جامعه دانست و این زمینه را ظرفیتی برای انتخاب‌گری کنشگر در نظر گرفت. صدر توضیح می‌دهد که چگونه زمینه جامعه می‌تواند توضیح‌دهنده اعمال باشد، بدون اینکه به طور ضروری آن‌ها را تعیین کند. یعنی عناصری وجود دارند که زمینه جامعه را شکل می‌دهند و این زمینه درونی، هرکدام استعداد این را دارد که عمل همسو با آن محقق شود. وزن هر کدام از این عناصر می‌تواند متفاوت باشد و این بستگی به انتخاب‌گری و زمینه‌های درونی پیشین کنشگر دارد.

تسلط عامل بر کنشگری همسو، ناهمسو و نیز توقف و ترک کنشگری با مصلحت‌سنجی کنشگر، تبیینی از عناصر کنشگری می‌دهد که در آن عناصر وزن مساوی ندارند. نظریاتی که علیت کنشگر برای کنشگری را

یگانه عامل تعیین‌کننده و ذاتاً امری محتمل می‌دانند، در یک فرایند رفت و برگشتی برای عناصر پیش‌اراده وزن نامساوی قائل‌اند. «وزن نامساوی دلایل منجر به ایجاد تمایلات^۱ متفاوتی برای عمل می‌شود، اما این تمایلات ضروری نیستند و کنشگر همچنان دارای قدرت تعیین نهایی در انتخاب بین گزینه‌های مختلف است. این تمایلات، زمینه و احتمالات را برای عمل فراهم می‌کنند، اما خود عمل ناشی از اعمال قدرت فعال کنشگر است.» (O'Connor, 2002: 108-126) بنابراین می‌تواند یکی از عناصر در انتخاب کنشگر وجه غالبی پیدا کند.

۴. الگوریتم فرایند کنش اجتماعی

بر اساس نظریه سلطنت کنشگر و آنچه درباره زمینه عمل (ظرفیت ساختاریافته)، انتخاب آزادانه و احتمالی کنشگر آمد، الگوریتمی را برای فرایند کنش اجتماعی می‌توان ارائه کرد.

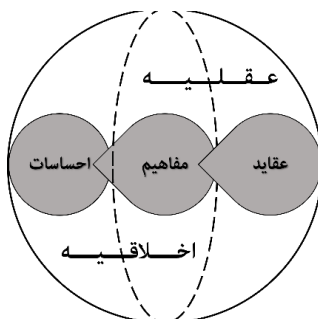
۱. مجموعه دلایل (Reasons) کنشگر: مجموعه دلایل کنشگر، همان زمینه جامعه برای کنشگری است که هویت درونی داشت و علت مادی کنش اجتماعی نامیده شد. کنشگر مجموعه‌ای از دلایل برای عمل کردن دارد. هر دلیل دارای یک وزن (Weight) یا اهمیت است که توسط ترجیحات، ارزش‌ها و محتوای درونی کنشگر تعیین می‌شود.

۲. ایجاد گرایش‌های احتمالی (Tendencies) به عمل: دلایل کنشگر با وزن‌هایشان، گرایش‌های احتمالی به انجام اعمال خاص، ایجاد می‌کنند. احتمال فعال‌شدن هر گرایش تابعی از وزن دلیل متناظر و همچنین ظرفیت کلی کنشگر برای اعمال قدرت علیّ است (که به صورت احتمالاتی عمل می‌کند).

۳. اعمال ظرفیت کنشگر (Agent-Causal Capacity): کنشگر، ظرفیت بنیادینی برای ایجاد مستقیم یک حالت ذهنی آغازگر عمل دارد. این ظرفیت مستقل از تعیین علیّ توسط عوامل پیشین است. اعمال این ظرفیت به صورت احتمالاتی تحت تأثیر گرایش‌های کنشگر قرار می‌گیرد، اما توسط آن‌ها تعیین نمی‌شود.

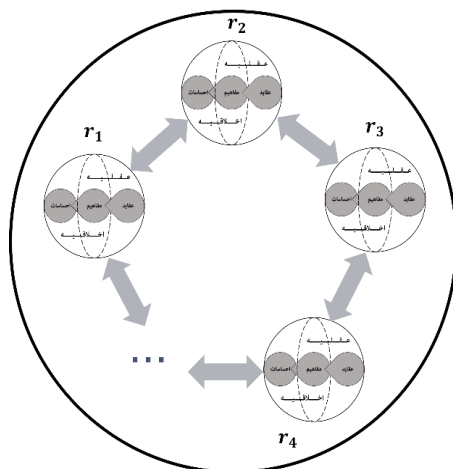
۴. تشکیل قصد (Intention): قصد برای انجام عمل خاص بر اساس گزینش کنشگر از بین گرایش‌های احتمالی شکل می‌گیرد. این گزینش ناشی از اعمال ظرفیت کنشگر است. احتمال انتخاب یک قصد خاص برای انجام عمل به وزن دلایل مرتبط و تأثیر احتمالاتی ظرفیت کنشگر بستگی دارد.

۵. انجام عمل با تسلط کنشگر: این آخرین مرحله از کنش است. در این مرحله، قصد کنشگر همراه با سلطنت او، منجر به انجام عمل خاص می‌شود.



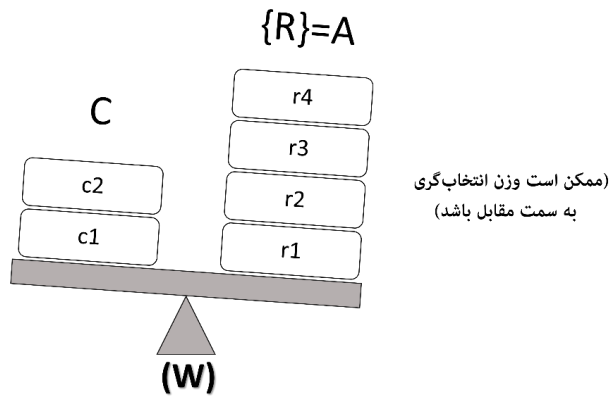
ارضیه A

شکل ۱: ارضیه؛ ظرفیت ساختاریافته انتخاب کنشگر



مجموعه دلایل فاعل (R)

شکل ۲: انتخاب آزادانه کنشگر بر مبنای مجموعه دلایل



شکل ۳: وزن نامساوی دلایل

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در صورت‌بندی فرایند کنش اجتماعی، مبتنی بر نظریه تسلط عامل و مؤلفه زمینه جامعه، اولین سؤال درباره چیسستی کنش اجتماعی بود. آیا اساساً فرایند کنش اجتماعی، زنجیره‌ای علی، ضروری و خطی است و یا می‌توان تصویر دیگری از این فرایند داشت؟ مبتنی بر دیدگاه‌های صدر، ما تصویری از کنش اجتماعی را تبیین کردیم که در آن کنش اجتماعی، شبکه‌ای از علّت‌ها و دارای ارتباط غیرخطی باشد. پس از این بحث، به تبیین عناصر کنش اجتماعی پرداختیم. در این مورد نیز تذکر دادیم که بنا بر دیدگاه صدر، بررسی‌کردن ارتباط عناصر با یکدیگر تنها کفایت نمی‌کنند. بلکه پس از ارتباط علی عناصر، باید ارتباط هریک از عناصر با کنشگر تبیین شود. ارتباط هریک از عناصر با کنشگر، از لوازم نظریه سلطنت بود. پس از این مباحث که آمادگی‌های لازم برای صورت‌بندی فرایند کنش را فراهم می‌کردند، نوآوری صدر در فهم از عناصر کنش به‌عنوان مجموعه زمینه‌های انتخاب کنشگر طرح و نمایان شد. صدر با ابداعی، زمینه‌های جامعه را که محتوایی درونی داشتند، علّت مادی کنش اجتماعی دانست. به عبارتی، زمینه‌ها، قوه و استعدادی برای صورت‌بخشی کنشگر بودند. از طرف دیگر صدر، تأثیر انسان از محیط و مقتضیات بیرونی در افکار عملی را امری اختیاری دانست. زمینه‌های جامعه که نقش علی در تحقق فعل دارند، متشکل از عناصری است که این عناصر، ارتباط علی ترتبی، با یکدیگر ندارند؛ بلکه مجموع آن‌ها به‌صورت رفت و برگشتی، انگیزه‌هایی برای کنشگر را ایجاد می‌کنند. این مجموعه که متشکل از عقاید و مفاهیم، احساسات، اهداف و مقاصد کلی زندگی است، در یک شبکه منسجم، با وزن‌های نامساوی حضور دارند. این زمینه‌ها با وزن‌های نامساوی،

انتخاب آزادانه نفس را توضیح می‌دهد که در ضمن تأثر از زمینه‌ها، هرگز به تعیین کنش بر اساس زمینه‌های اجتماعی نمی‌انجامد؛ بنابراین ارتباط کنشگر با هریک از این عناصر، رابطه‌ی اثرپذیری علی نیست. بلکه ظرفیتی از بینش‌ها، ادراکات، احساسات، ارزش‌های هنجاری، مقاصد زندگی و عقلانیت به نحو شبکه‌ای از داشته‌ها برای کنشگر پدید می‌آید که ارتباط وی با هر یک از آنها برای تحقق فعل، ارتباط علی ذاتی و غیرتخلف‌پذیر نیست. ارتباط کنشگر با هریک از آن عناصر، می‌تواند با وزن‌های مختلفی از اثرپذیری همراه باشد و این‌همه به انتخاب کنشگر بستگی دارد. درنهایت، مفهوم کنترل و منطق ترجیح در نظریه سلطنت تنقیح شد و بر اساس مجموع صحبت‌ها، الگوریتمی از فرایند کنش اجتماعی داده شد. در این الگوریتم که پنج مرحله داشت، عناصر کنش اجتماعی به‌عنوان مجموعه‌ای از دلایل عمل در نظر گرفته می‌شد. بعد از آن ایجاد گرایش‌های احتمالی به عمل با وزن‌های نامساوی، اعمال ظرفیت کنشگر، تشکیل قصد و سلطه و انجام عمل، تبیین شد.

پذیرش نظریه کنش اجتماعی صدر دارای ثمراتی دارد که امید می‌رود در مقالات بعدی به تفصیل تبیین شود. به‌عنوان نمونه می‌توان به مهم‌ترین ثمره آن در علوم اجتماعی اشاره کرد. به نظر می‌رسد این نظریه می‌تواند رابطه ثابتات و متغیرهای اجتماعی را به خوبی تبیین نماید. فاعل بالسلطنه بین ثابت‌ها (مانند چهارچوب‌ها و قواعد ساختاریافته اجتماعی، اصول عقلانی ثابت) و متغیرها (مانند نیت و منطق ترجیح جوهری خود یا شرایط متغیر) با استفاده از «دلایل خوب» پیوند برقرار می‌کند؛ بنابراین، تعامل بین عناصر ثابت و متغیر در ذات انسان، می‌تواند پیونددهنده عناصر ثابت و متغیر واقعیت‌های اجتماعی باشد.

منابع

- ابن سینا (۱۳۷۵)، الاشارات و التنبيهات، همراه با شرح خواجه و محاکمات، چاپ اول، قم: بلاغت.
- احسن، مجید (۱۳۹۵)، بررسی تعارض ضرورت علی و اراده انسانی از دیدگاه حکمت متعالیه و اصولیون معاصر، تهران: دانشگاه شهید مطهری.
- اسدی، محمدصابر (۱۳۹۸)، رابطه حکومت و فرهنگ در سیاست‌گذاری مبتنی بر اندیشه شهید محمدباقر صدر، محمدهادی همایون، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- خوئی، ابوالقاسم (۱۴۲۲)، محاضرات فی اصول الفقه، چاپ اول، تقریرات محمداسحاق فیاض، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- ذاکری، مهدی (۱۳۹۴)، درآمدی بر فلسفه عمل، چاپ اول، تهران: سمت.

-
- سیدی فرد، سید علی (۱۴۰۳)، ژرف‌کاوی روشی برای شناخت مسائل اجتماعی، چاپ دوم، قم: منهاج علم.
 - شیرازی، ملاصدرا (۱۹۸۱)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعه، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 - صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۷ق)، بحوث فی علم الاصول، تقریر محمود هاشمی شاهرودی، چاپ سوم، قم: مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
 - _____ (۱۴۱۷ق)، بحوث فی علم الاصول، تقریرات عبدالساتر، چاپ اول، بیروت: الدار الاسلامیه.
 - _____ (۱۴۳۱ق)، فلسفتنا، چاپ اول، قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصیة للشهید الصدر.
 - _____ (۱۴۳۴ الف)، المدرسة القرآنیة، چاپ دوم، قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصیة للشهید الصدر.
 - _____ (۱۴۳۴ب)، اقتصادنا، چاپ دوم، قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصیة للشهید الصدر.
 - _____ (۱۴۳۴ج)، الاسس المنطقیة للاستقراء، چاپ سوم، قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیة للشهید الصدر.
 - مصباح، مجتبی (۱۳۹۰)، احتمال معرفت‌شناختی، چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 - نائینی، محمدحسین (۱۳۵۲)، اجود التقریرات، چاپ اول، قم: العرفان.
 - O'Connor, Timothy (2002), *Metaphysics of Free Will*, New York: Oxford University Press.